

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

با توجه به شرایط خاص تعطیلات و محدودیت های ویژه ای که امسال (عید 99) در ایام نیمه شعبان با آن مواجهیم و بیماری فراگیری که موجب شده اکثر جمع های عمومی و مراسمها و به تبع آن جشن های عمومی نیمه شعبان تعلیق شوند، باید به دنبال طرح ها و ایده های رویم که بتوانیم بصورت فردی و یا در قالب جمع کوچکی از اطرافیان پیام خود را منتقل کنیم. طرح پیش رو به عنوان پیشنهادی جهت جمع های کوچک خانوادگی و یا دوستانه معرفی می گردد که مقدمه آن امکان ایجاد فضای شاداب و جذاب را فراهم می کند و در ادامه می توان از آن فضای ابتدایی به عنوان پلی برای پیام اصلی استفاده کرد. استفاده از پیشنهاد ایجاد فضای شاداب بر اساس موقعیت و مخاطب قابل اجرا و یا حذف است. در صورت حذف این بخش خللی در ارائه ی محتوا ایجاد نمی شود.

بخش ابتدایی جهت ایجاد فضای شاداب :

در ابتدا صرفاً جهت ایجاد فضایی شاداب، مسابقه ای بین اعضا تعریف می کنیم بدین صورت که یک متن کوتاه را در اختیار افراد میگذاریم و از آنها می خواهیم در نقش های مختلف این متن را بخوانند. به عنوان مثال نقش یک فرد عصبانی - نقش یک فرد تحصیل کرده - نقش یک آدم شکاک - نقش یک معتاد - نقش یک آدم بیخیال - نقش یک آدم پولدار - نقش یک مادر دلواپس و (نمونه این بازی را می توانید از آرشیو مسابقه های برنامه خندوانه ملاحظه کنید)

{نکته: به دنبال انتقال پیام در این بخش نیستیم و صرفاً می خواهیم فضایی جذاب و شاداب را در کنار دوستان و اقوام ایجاد کنیم که حتماً موجبات خنده و تفریح را هم فراهم خواهد کرد پس به دنبال متنی خاص و سنگین نباشید.}

(پس از این بخش که می تواند زمانی بین 10 تا 20 دقیقه بسته به تعداد نفرات داشته باشد وارد پیام اصلی می شویم)

پیام اصلی

نقش زندگی :

یکی از دوستانم نکته ای گفت که خیلی ذهنم رو درگیر کرد. پرسید نقش و کاراکتر زندگی رو پیدا کردی؟ گفتم نمی دونم احتمالاً، منظورت از کاراکتر چیه؟

گفت من به عنوان بازیگر باید بتونم نقشم رو توی زندگی پیدا کنم. وقتی تو یک فیلم به من میگن بیا فلان کاراکتر رو بازی کن - نقش اصلی یا مکمل - باید حواسم باشه تا آخر فیلم و آخرین سکانس از نقش ام خارج نشم. وقتی می گن باید تو این قالب بازی کنی، دیگه تمام کارهایی که می خوام توی اون فیلم انجام بدم باید بر اساس نقشی باشه که به من سپردن. اگر مثلاً نقش یک آتش نشان رو دارم، در تمام لحظاتی که بازی دارم روحیه ی یک آتش نشان رو باید بروز بدم، و این نقش در تمام کارهایی که از من دیده می شه باید نمایان باشه. اگر کاراکتر یک آدم مغرور، پولدار، هنری، معتاد یا هر نقش دیگه رو بازی میکنم باید در همه حال حس این نقش جریان داشته باشه. هر اتفاقی که توی این فیلم می افته کارگردان از من می خواد که از نقشم خارج نشم.

ما تو زندگی در قالب های مختلف نقش های مختلفی بازی می کنیم. در هر لحظه می توانیم چندین نقش داشته باشیم. من در همین لحظه هم فرزند پدر و مادر هستم ، هم همسر ، پدرم ، رفیقم، همکارم ووووو خیلی نقشهای دیگه که در رابطه با اطرافیان خواهم داشت . اما به این نکته فکر کنیم! 20 سال 30 سال 50 سال از عمرم گذشته ، تو این زندگی چه کاراکتری دارم؟ هویت نقشهای زندگی رو میشناسم؟ هر کدام از نقشهای زندگی تو چه محوری داره جلو می ره؟ مهمتر از همه اینکه این نقشها رو درست بازی می کنم یا نه؟ این کلیدی ترین سواله! از دید کارگردان این سرزمین نقشم رو درست بازی می کنم؟

من اگر بتونم برای کاراکتر و هویت نقشم در زندگی درست برنامه ریزی کنم دیگه متغیرهای زندگی که من در بوجود آمدن آنها نقشی ندارم، نمی تونن به مسیر اصلی زندگی من ضربه بزنند.

قیمت دلار بالا و پایین شدنش دست من نیست ولی اینکه من هویت نقشم رو به گونه ای انتخاب کنم و براش برنامه ریزی کنم می تونه کاری کنه که کمترین اثر رو در زندگی من داشته باشه.

هویت نقشم رو که بشناسم میدونم بحرانهای زندگی که مثلاً با بالا و پایین شدن دلار و گرانی و اومدن ویروس یا خیلی اتفاقات ناگهانی دیگه رخ میدن رو چگونه باید مدیریت کنم.

این نگاه اگر نباشه زندگی من متزلزل می شه. شرایط سختی که پیش می آد باید فکر کنم و باورهام رو دوباره بسازم. اگر میبینم با شرایط مختلف دارم هویت نقش زندگی رو گم می کنم - مثل شرایطی که شاید الان خیلی ها درگیرش بودیم یا هستیم - باید فکر کنم و باورهام رو دوباره بسازم.

سوال اینجاست آیا این خدایی که بهش باور داریم که قدرتش بالاتر از هر مشکل و نیاز ماست، تو زندگی من فقط ناظره یا برای هر شرایط راهکاری قرارداده؟

یک مثال میخوام بزنم؛ یکی از دغدغه های پدر و مادر اینه که در زمان بسیار حساس و کلیدی ای که شخصیت بچه شکل می گیره تمام توانشون رو بکار ببندن که به نحوی فرزندشون رو راهنمایی کنند که شخصیتی قوی و محکم و تاثیرگذار در اون شکل بگیره. طبیعیه که بچه اولین و تاثیرگذارترین تاثیر هم از پدر و مادر و اطرافیان نزدیکش میگیره پس این حساسیت برای پدر و مادر دو چندانیه.

دلیل حساسیتی که پدر و مادر در انتخاب مدرسه و محل تحصیل و تفریح فرزندشون دارن اینه که آدمهایی که اونجا در کنار فرزندشون به عنوان مربی و معلم و راهنما قرار می گیرند، روی کارکتر و هویت شخصیت فرزندشون تاثیر مستقیم میدارن و برای پدر و مادر مهمه که فرزندشون در کنار کی رشد کنه و از کی تاثیر بگیره.

در هر مرحله ای از رشد زندگی بچه، او رو کنار یک شخصیت موفق توی اون حوزه قرار میدیم که بتونه از کاراکتر اون فرد موفق رنگ بگیره. اگر برام مهمه بچه ام پولدار باشه، اون رو در معرض آدمهای موفق پولدار قرار میدم که بتونه از اون کاراکترها رنگ بگیره، عادت های خوب اونها رو تمرین که تکرار این عادات تبدیل بشه به هویت نقشی که به دنبالش هستیم.

نه تنها برای بچه هامون بلکه سعی می کنیم برای هر اتفاق خوبی که به دنبالش هستیم خودمون رو در کنار کاراکتر موفق و محکم اون نقش قرار بدیم تا بتونیم عادت های خوب اون رو تبدیل به عادهای خوب خودمون کنیم که هویت محکمی توی اون نقش پیدا کنیم.

قاعده ی خدا هم همینه! می گه من برای قرص و محکم شدن هویت نقش زندگی و کاراکتری که به دنبالشی کسی رو قرار دادم که در کنار او می تونی قرص و محکم بشی.

کسی که قدرتش قدرت خداییه و در کنار من زندگی میکنه و اتفاقاً منتظره که من برم سراغش تا هدایتم کنه.

من به دنبال کسی می گردم که توی پیچ و خم زندگی هدایتم کنه. کاری که خدا کرده اینه که کسی رو در کنار ما قرارداده که یگانه زمان ماست و بالاترین نقشی که خداوند برای فرستاده ی خودش در میان ما قرار داده نقش هدایتگری.

هدایتگری که جنس راهنماییش از جنس پدراشه است. همونطور که گفتم یک پدر دغدغه رشد شخصیت و هویت فرزندش رو داره، خداوند هم در کنار ما امام هدایتگری رو قرارداده که بالاتر از یک پدر در کنار او می تونم برای قرص و محکم شدن نقشهای زندگی به او رجوع کنم.

قوی ترین و بهترین و والاترین فردی که میتونیم با زندگی کردن در کنار او یاد بگیریم چجوری با قدرت از پیچ و خم های زندگی عبور کنیم، امام زمان ماست.

تمرین عادت زندگی کردن در کنار امام زمان می تونه به تمام نقشهای زندگی من و کارکتر زندگی من و بوی محکم بودن و قوی بودن و ایستادگی در برابر هر گرفتاری و دغدغه و مشکل این دنیا بده.

حواسم باید باشه که این کارکتر تبدیل نشه به یک کارکتر تنبل که چون پدر مهربان قدرتمندی در کنارم هست پس دیگه نباید کاری انجام بدم، اون چیزی که خدا از ما می خواد اینه که نقش یک آدم باعرضه رو به حمایت و پشتوانه ی هدایتگری امام زمان در زندگی پیدا کنیم.

در کنار امام زندگی کردن یعنی به پشتوانه و دلگرمی پدری مهربان و قدرتمند که خداوند عالم را در کف قدرت او قرار داده، محکم قدم برداشتن. این قرص و محکم بودن باعث میشه اتفاقات زندگی نتونن من رو از کارکتر زندگی خارج کنند.

در تمام این سختی های زندگی اونهایی می تونن سلامت خارج بشن که بتونن قرص و محکم کارکتر خودشون رو حفظ کنند و خداوند بزرگترین نعمتش رو در کنار ما قرار داده تا با او و در کنار او بتونیم از پس پیچ و خم های این دنیا به سلامت عبور کنیم.

بیاییم با هم زیباترین عادت زندگی را تمرین کنیم.

عادت لذت بردن از لحظه به لحظه زندگی کردن با بالاترین نعمت خدا – امام زمان علیه السلام – که پدراشه همیشه آغوشش به روی ما باز است.

خداوندا با زندگی در کنار امام زمان و بهره بردن از وجود مقدس مهربانترین پدر، قدردانیمان را از مهربانیت در تمام لحظات زندگی نشان می دهیم.